



دفن

دفن در لغت به معنای به خاک سپردن **مرده**، **پنهان کردن** چیزی در زیر **خاک** و مانند آن است. دفن در اصطلاح عبارت است از در خاک نهادن مرده؛ بدین گونه که **گودالی** در **زمین**، **حفر** کرده و مرده را در آن جای دهند و رویش را بپوشانند؛ لیکن معنای لغوی آن **اعم** است.

فهرست مندرجات

- ۱ - دفن به معنای اول (اعم)
- ۱.۱ - احکام دفن به معنای اعم
- ۱.۲ - کیفیت دفن میت
- ۱.۲ - آداب دفن میت
- ۱.۲.۱ - مستحبات دفن میت
- ۱.۲.۲ - مکروهات دفن میت
- ۱.۴ - زمان دفن میت
- ۱.۵ - مکان دفن میت
- ۱.۶ - متولی دفن میت
- ۲ - دفن به معنای دوم (اخص)
- ۲.۱ - احکام دفن به معنای اخص
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

دفن به معنای اول (اعم)

جایگاه اصلی دفن به معنای نخست (به خاک سپردن مرده)، باب **طهارت** است، لیکن به مناسبت، در باب‌های دیگری نظیر **جهاد** و **تجارت** نیز آمده است.

← احکام دفن به معنای اعم

- (۱) دفن کردن **میت** **مسلمان** با کیفیت خاص، **واجب کفایت** است.
- (۲) **اجزای** جدا شده از بدن **میت** **حتّی** **ناخن** و **دندان‌های** او نیز مشمول **حکم** یاد شده‌اند. [۱] [۲] [۳]
- (۳) دفن کردن **کافر**، **واجب** نیست؛ بلکه برخی، آن را **جایز** ندانسته‌اند. [۴] [۵] [۶]
- (۴) **کودکان** و **دیوانگان** در **حکم** دفن **تابع** والدین خود هستند بنابراین، با **مسلمان** بودن یکی از والدین، دفن **فرزند** نا **بالغ** یا **دیوانه** وی، **واجب** خواهد بود. [۷]
- (۴) در دفن، **قصد قربت** شرط نیست؛ از این رو، اگر **کودکی**، **میتبی** را به گونه صحیح دفن نماید **کفایت** می‌کند. [۸]
- (۵) اگر در **جنگ** و در میان **کشتگان**، **مسلمان** از **کافر** بازشناخته نشود بنا بر قول برخی، آن که **آلت تناسلی‌اش** کوچک تر است دفن می‌گردد. برخی گفته‌اند: آن که **قرعه** به نامش درآمد دفن می‌شود.
- بعضی دیگر، دفن همه کشته‌ها را به **احتیاط**، **واجب** دانسته‌اند. [۹]
- (۶) **رزمنده‌ای** که در **معرکه** به **شهادت** رسیده با **لباسش** دفن می‌گردد، مگر **کفش‌ها** و **پوستین** و بنا بر قول برخی، **عرفچین**، **شلوار**، **عمامه** و **کمر بند** که از تنش درآورده می‌شوند.
- در این **حکم**، بنا بر مشهور، فرقی بین **خون آلود** بودن یا نبودن لباس‌ها نیست. [۱۰]
- (۷) **نیش قبر** جز در مواردی که **استثنا** شده **حرام** است. [۱۱]
- هزینه** دفن همچون هزینه‌های **تهیه قبر**، **اجرت قبرکن** و **حمل** کننده **جنازه** از **اصل ترکه** برداشته می‌شود. [۱۲] [۱۳]
- (۸) سزاوار است **مؤمن** در حال **حیات**، مکانی را برای قبر خود **تهیه** کند و در آن **قرآن** بخواند.
- اهدای زمین برای دفن **مؤمنان**، **مستحب** است؛ چنان که **مباشرت** در کندن قبر **مؤمن**، **استحباب** دارد. [۱۴]
- بنا بر قول **مشهور** گرفتن **اجرت** بر دفن، **جایز** نیست. [۱۵] [۱۶]

← کیفیت دفن میت

- (۱) **واجب** است **مرده** به گونه‌ای دفن گردد که **بوی** بد آن مردم را **اذیت** نکند؛ **بدن** نیز از گزند درندگان محفوظ باشد. [۱۷] [۱۸]
- (۲) اگر دفن **میت** در **زمین**، ممکن نباشد **واجب** است به هر صورت ممکن، **جسد** را **پنهان** سازند، مانند آنکه آن را در **بنا** یا **تابوتی** نهاده و اطراف آن را ببندند یا اگر در کشتی مرده و رساندن **جسد** به **خشکی** امکان پذیر نیست، پس از **تجهیز (غسل و کفن و نماز)**، با بستن چیزی سنگین به پای وی، او را به **دریا** افکنند. [۱۹] [۲۰]
- (۳) بنا بر قول **مشهور**، **واجب** است مرده را در **قبر** بر **پهلوی راست**، رو به **قبله** دفن کنند. [۲۱] [۲۲]
- برخی قدما قائل به **استحباب** آن شده‌اند. [۲۳]
- (۴) اگر **زن** **کافر** **باردار** همراه **جنین** درون **رحمش** بمیرد در صورتی که بارداریش از **مرد** **مسلمان** باشد، باید او را در **قبر** به **پهلوی چپ**، پشت به **قبله** بخوابانند، به گونه‌ای که روی **جنین** به **سمت قبله** قرار گیرد. [۲۴]

۵) در جایی که بیم بیرون آوردن جسد از سوی **درندگان** می‌رود، محکم ساختن **قبر**، **واجب** است؛ چنان که در فرض انداختن جسد به دریا **واجب** است جایی انتخاب گردد که به محض افکندن، **طعمه** حیوانات دریایی نگردد، هرچند در دراز مدت ممکن است چنین شود. [۲۵]

← آداب دفن میت

آدابی که در دفن میت وارد شده به قرار زیر است:

← مستحبات دفن میت

- امور زیر از **مستحبات** دفن به شمار می‌روند:
- ۱- قرار دادن **جنازه** در چند **ذراعی** قبر و به تدریج در سه مرحله نزدیک قبر بردن.
 - ۲- وارد کردن میت مرد از سمت سر و میت زن از سمت عرض در قبر.
 - ۳- خواندن دعاهای وارد شده هنگام داخل کردن میت در قبر.
 - ۴- بازکردن **گره‌های کفن** از طرف سر و پاها.
 - ۵- گذاشتن صورت میت بر **خاک** و **تلقین** او .
 - ۶- قرار دادن مقداری **تربت** حضرت **سید الشهدا** علیه السلام همراه میت در قبر .
 - ۷- **طهارت** داشتن و **برهنه** بودن سر و پای کسی که میت را در قبر می‌گذارد.
 - ۸- داخل شدن و بیرون آمدن کسی که میت را در قبر می‌گذارد از طرف **پای** میت.
 - ۹- ریختن **خاک** در سه مرحله با پشت **دست** توسط حاضران غیر خوبشاوند با میت پس از گذاشتن **سنگ لحد**.
 - ۱۰- پاشیدن **آب** بر قبر از طرف سر تا پا و سپس **گرداگرد** آن تا جانب سر و پاشیدن مازاد آن بر میانه‌ی قبر.
 - ۱۱- گذاشتن دست با **انگشتان** باز روی قبر و فشار دادن آن در خاک، به گونه‌ای که اثر آن بر قبر بماند.
 - ۱۲- طلب **آمرزش** برای میت و خواندن هفت بار **سوره قدر** و دعای وارد شده.
 - ۱۳- تلقین دوباره ی میت توسط **ولی** پس از بازگشت حاضران.
 - ۱۴- **تسلی دادن** به **بازماندگان** .
 - ۱۵- خواندن دو **رکعت نماز** پس از بازگشت از مراسم **تدفین**. [۲۶] [۲۷]

← مکروهات دفن میت

- ۱- دفن کردن دو میت در یک قبر، جز در حال **ضرورت**. [۲۸]
- ۲- ریختن خاک بر قبر توسط خوبشان میت. [۲۹]
- ۳- داخل شدن **پدر** در قبر **فرزند** خود. [۳۰]

← زمان دفن میت

شتاب کردن در دفن میت، مستحب است، مگر آنکه **مرگش** معلوم نباشد که در این صورت تا **حصول علم** به **مرگ**، واجب است دفن به **تأخیر** بیفتد. [۳۱]
تأخیر در دفن میت در صورتی که **هتک** او به شمار رود، **جایز** نیست؛ [۳۲] لیکن اگر میت، **باردار** و **جنین** در **رحم** او زنده، و **حفظ حیات** جنین **متوقف** بر دفن نکردن **مادر** باشد، تأخیر در دفن او **واجب** است. [۳۳]

← مکان دفن میت

دفن کردن مسلمان در جایی که **هتک** او به شمار می‌رود، مانند **مزبله** و نیز در مکان **غصبی** و **زمین وقف** شده برای غیر دفن، مانند **مسجد** و **مدرسه**، **حرام** است.
دفن کردن مسلمان در **گورستان کفار**، همچنین عکس آن، جایز نیست. [۳۴]
جا به جایی میت از **شهری** که فوت کرده به شهری دیگر **مکروه** است، مگر **مشاهد مشرفه** که منتقل کردن به آن جا **مستحب** است؛ [۳۵] لیکن پس از دفن، **انتقال** به غیر **مشاهد مشرفه** جایز نیست.
در **جواز** نقل به **مشاهد مشرفه** پس از دفن، اختلاف است. **عدم جواز** به مشهور نسبت داده شده است. [۳۶]

← متولی دفن میت

ولی میت، **اختیار** دار دفن او است، بدین معنا که نسبت به **تجهیز میت**، بر دیگران **اولویت** داد. **مراد** از **ولی میت**؛ کسی است که در **ارث** بردن از او بر دیگران **مقدم** است، مگر **شوهر** که در هر حال نسبت به **همسرش** بر دیگران اولویت دارد. در اینکه مراد از اولویت، **عدم جواز پیشی گرفتن** دیگران بر ولی بدون **اذن** او است یا تنها **عدم جواز ایجاد مزاحمت** برای ولی در صورت اقدام وی به **تجهیز میت**، اختلاف است.
بنابر قول اول، جواز اقدام دیگران به دفن، منوط به **اذن** ولی است. [۳۷] [۳۸] [۳۹]

دفن به معنای دوم (اخص)

از دفن به معنای دوم در باب‌هایی نظیر طهارت، **حج** و **حدود** سخن گفته‌اند.

← احکام دفن به معنای اخص

- ۱) دفن کردن **مو**، **ناخن**، **دندان** و **خون** انسان زنده، **مستحب** است. [۴۰]
- ۲) بنابر مشهور، بر **حاجی** مستحب است پس از **حلق** یا **تقصیر** در منی، موهای خود را در همان جا دفن کند. [۴۱] [۴۲] [۴۳]
- ۳) بنابر مشهور، جهت **رحم**، واجب است **مرد** را تا **کمر** و **زن** را تا **سینه** در **زمین** دفن کنند.

پانویس

۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۸۹-۲۹۰. 📖
۲. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۲. 📖
۳. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۷. 📖
۴. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۱۳۲-۱۳۳. 📖
۵. ↑ مستمسک العروة، ج ۴، ص ۶۸. 📖
۶. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۵. 📖
۷. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۲۱. 📖
۸. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۴. 📖
۹. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۱۳۳-۱۳۴. 📖
۱۰. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۳۷۴-۳۷۱. 📖
۱۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۳۵۲-۳۶۰. 📖
۱۲. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۷. 📖
۱۳. ↑ التنقيح (الطهارة)، ج ۸، ص ۳۹۹-۴۰۱. 📖
۱۴. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۴۱. 📖
۱۵. ↑ الحدائق الناضرة، ج ۱۸، ص ۲۱۱. 📖
۱۶. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۲، ص ۱۱۶. 📖
۱۷. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۹۰-۲۹۱. 📖
۱۸. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۲-۱۱۳. 📖
۱۹. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۹۱-۲۹۵. 📖
۲۰. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۲-۱۱۴. 📖
۲۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۹۶-۲۹۷. 📖
۲۲. ↑ جامع المدارك، ج ۱، ص ۱۴۸. 📖
۲۳. ↑ الوسيلة، ص ۶۸. 📖
۲۴. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۹۷-۲۹۹. 📖
۲۵. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۴-۱۱۵. 📖
۲۶. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۳۲۲-۳۹۹. 📖
۲۷. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۸-۱۲۶. 📖
۲۸. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۳۳۱. 📖
۲۹. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۳۳۴. 📖
۳۰. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۲۷. 📖
۳۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۲-۲۴. 📖
۳۲. ↑ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۵۱. 📖
۳۳. ↑ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۵۵. 📖
۳۴. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۵-۱۱۶. 📖
۳۵. ↑ جواهر الكلام، ج ۲، ص ۳۲۳. 📖
۳۶. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۶۰. 📖
۳۷. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۳۱. 📖
۳۸. ↑ التنقيح (الطهارة)، ج ۸، ص ۶۱. 📖
۳۹. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۴۷. 📖
۴۰. ↑ كشف الغطاء، ج ۲، ص ۴۱۹. 📖
۴۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۱۹، ص ۲۴۲-۲۴۴. 📖
۴۲. ↑ مناسک حج (مراجع)، ص ۴۲۷، م. ۱۱۳۳. 📖
۴۳. ↑ مناسک حج (مراجع)، ص ۴۴۰، م. ۱۱۷۱. 📖

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۶۳۹ تا ۶۴۳. 📖

رده‌های این صفحه : احکام اموات | فقه